

مقاله حاضر به چگونگی پیدایش فلز و به کارگیری آن و همچنین بررسی فن شناسانه آثار مفرغی لرستان می‌پردازد که مورد اخیر در جزوه‌ها و رسالاتی که به نوعی به مفرغ‌های لرستان پرداخته‌اند کمتر به چشم می‌آید.

تحولی که دوره سنگ را به اتمام رسانید و به واسطه پیدایش فلز و به کارگیری آن توسط انسان تحقق پیدا کرد و با پیدایش فلز انسان توانایی‌های دیگر یافت که این خود تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی، فرهنگی و طرز زندگی او ایجاد نمود. استفاده از فلز در شرق از حدود پنجهزار سال پیش از میلاد شروع شد و در مغرب مدتها بعد و ظاهراً در دو هزار و سیصد سال پیش از میلاد - معمول گشته است<sup>۱</sup>.

طبق شواهد به دست آمده، مس اولین فلزی است که توسط انسان کشف شد. محققین معتقدند که انسان نخست بر مس چکشی دست پیدا کرد (مس چکشی، به صورت آماده و جدا از سنگ معدن در اطراف معادن مس وجود داشته است) که با زدن چکش، به آن فرم داد و مدتها پس از آن دریافت با حرارت دادن بعضی از سنگها می‌تواند مس به دست آورد، این امر به دلایلی اعم از اتمام منابع مس چکشی یا نیاز به مقادیر فراوان از این فلز بود، که عمومیت پیدا کرد.

فلز مس، که در آن دوره مورد استفاده قرار گرفت دارای ناخالصی‌هایی بود و مدتها بعد انسان پی برد که با ذوب مرحله‌ای آن - می‌توند «مس» خالصتری به دست بیاورد. فلز مس به طور خالص دارای استحکام زیادی نبوده و از این رو بعضی از وسایل و ابزار را نمی‌شد از آن تهیه کرد. آنچه مسلم است انسان در هزاره سوم پیش از میلاد آلیاژی مرکب از مس و قلع «مفرغ» کشف کرد که استحکام آن به

مراتب بیشتر از مس بود و به این طریق توانست وسایلی نظیر ابزار جنگی و ... را که نیاز به استحکام بیشتری داشتند با استفاده از آن بسازد.

وجود قلع در بعضی از آلیاژهای مس می‌توانسته به طور اتفاقی و از طریق سنگ معدن قلع در آلیاژ حضور پیدا کند. به هر حال به نظر بعضی از کارشناسان وجود حدود ۱/۳٪ قلع در آلیاژها امری عمومی بوده است، همچنین سازندگان این اشیا به خاطر سهولت قالبگیری تحولی به طور معمول حدود ۳/۵٪ فلز سرب نیز در آلیاژ وارد می‌کرده‌اند.

بدیهی است که صنعت فلزکاری در مناطقی رواج و توسعه یابد که دارای معادن فلز بوده، از این رو وجود معادن مس در مناطق مختلف می‌تواند راهگشای باستان شناسان در کشف آثار فلزی و تمدنهای مربوط به آنان باشد. معیناً ممکن است معادنی که امروزه وجود دارند در آن دوران کشف نشده باشند و یا معادنی که در دوره‌های پیشین مورد بهره برداری قرار می‌گرفته‌اند، امروزه وجود نداشته باشند آنچه مسلم است غنی‌ترین معادن فلز مس آسیا در فلات ایران واقع شده که مهمترین آنها در ناحیه کرمان (مس سرچشمه) است، همچنین در نواحی دریای خزر، خراسان و زاگرس میانی معادنی به طور پراکنده وجود دارد. اما آنچه باعث تعجب محققین و پژوهندگان گردیده کمبود یا نبود منابع قلع در فلات ایران است (به استثنای معدن کوچکی در دشت لوت). چرا که آثار مفرغی فراوانی که در فلات ایران به دست آمده نیاز به «مس» و مقداری «قلع» داشته است. لذا به نظر بعضی از محققین، معادن قلع می‌توانسته در آن ادوار وجود داشته باشد، که به مرور زمان به پایان رسیده است، اما همان گونه که فلز مس در آن دوره حکم ماده‌ای صادراتی داشته و از ایران به سرزمینهای غرب و بعداً به هند صادر می‌شده است، ممکن است قلع را نیز از دیگر سرزمینها به ایران آورده باشند.

قدیمی‌ترین آثار فلزی در شمال عراق کنونی پیدا شده و قدیمی‌ترین اثر فلزی فلات ایران را به قوم «سکاها» که در حوالی دریای خزر می‌زیسته‌اند، نسبت داده‌اند، همچنین در چند دهه اخیر آثاری از ناحیه لرستان به دست آمده که مربوط به ادوار پیش است، این آثار در دنیای باستانشناسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. از این رو به معرفی آنان می‌پردازیم.

### مفرغ‌های لرستان

کاسیت‌ها ساکنین لرستان در حدود هزاره سوم قبل از میلاد آلیاژ «مفرغ» را شناختند و با استفاده از آن دست به ساخت وسایل و ابزار متنوع و گوناگونی زدند، نمونه‌های به دست آمده گواه بر این است که این مردم دارای استعداد صنعتی و مهارت بسیار زیاد بوده و در کار خود به مقام عالی رسیده‌اند. به طوری که محققین و باستان شناسان از این دوره به عنوان «دوره طلایی هنر» یاد کرده‌اند. وجود منابع پراکنده «مس» در بعضی از نواحی زاگرس خود باعث گسترش این صنعت فلزکاری شده است. با وجود اینکه اکثر مفرغهای تجزیه شده لرستان حدود ۴٪ تا ۱۳٪ قلع دارد اما هیچ گونه معدن «قلع» ای در این منطقه تاکنون پیدا نشده و همان گونه که پیشتر اشاره شد، قلع مورد نیاز این صنعتگران هنرمند از دیگر مناطق تأمین می‌گردیده است.



نمونه مفرغهای لرستان



نمونه مفرغهای لرستان

در میان آثار برنزی لرستان وسائلی هست که ۱۵٪ قلع در آنها به کار رفته و بسیار سخت می‌باشند. به طوری که سختی آنها برابر با سختی آهن نرم است. البته شمار این گونه آثار کمتر است. سازندگان این آثار که عموماً سوارکاران، اسب پروران و گله داران کوچ نشین و مهاجر بودند. به سبب شیوه زندگی شان، ابزار آنها بیشتر شامل اشیاء کوچک حمل شدنی مثل تاجزار و یراق اسب، اسلحه، ظروف و ... می‌شود.

این اشیاء عموماً در موزه مفرغهای لرستان، خرم‌آباد و موزه ملی ایران در تهران و موزه لوور پاریس و سایر موزه‌های معتبر دنیا به نمایش گذاشته شده‌اند.

### آثار مفرغی

اشیاء مفرغی لرستان که عموماً در طی حفر گورهای باستانی، توسط افراد بومی و به صورت غیر علمی به دست آمده‌اند<sup>۲</sup> بسیار متنوع و فراوان هستند، لذا برای بررسی آنها نیاز به یک تقسیم بندی منظم است، به همین منظور این اشیاء را با توجه به نوع کاربرد آنها، به شرح زیر طبقه بندی می‌نماییم.

۱. وسایل زندگی روز مره؛

۲. ابزار سوارکاری؛

۳. سلاحها و ابزار جنگی؛

۴. زینت آلات؛

## ۵. مجسمه‌ها:

عزت‌ها و اشیاء نذری (اشیایی که مربوط به اسطوره‌های عقیدتی و مذهبی و باورهای سازندگان آنها بوده‌اند):

### وسایل زندگی روزمره

این دسته شامل وسایل و ابزارآلاتی است که به طریقی در رفع حوائج روزمره به کار گرفته شده‌اند و عبارتند از:

- کاسه، آبخوری، فنجان‌های لبه دار، سینی، جامهای بزرگ، ساغر، ملاقه، صافی، سوزن و ... که با اشکال متنوع ساخته شده‌اند. شکل ظاهری این ظروف کاملاً شبیه ظروف سفالی همان ادوار بوده و بعضاً نیز تغییراتی یافته‌اند بدین معنی که وقتی توان ساخت بعضی از وسایل سفالی را نداشته‌اند آنها را با فلز ساخته‌اند.

در بین این ظروف آثاری وجود دارند که دقت و ظرافت خاصی در ساخت آنها بکار رفته است، از آن جمله چندین کاسه مفرغی است که با ظرافت هنرمندان‌های قلم زنی و تصاویر بسیار زیبایی بر آنها نقش شده است. این آثار عموماً متعلق به هزاره اول پیش از میلاد می‌باشند. از این میان می‌توان به ساغری اشاره نمود که به شکل سر قوچ طراحی شده است. قسمت تحتانی ظرف دهان قوچ و بدنه تالبه ظرف را گردن آن حیوان تشکیل می‌دهد، بر بدنه ساغر هم اشکالی قلمکاری شده است. این ساغر دارای دسته ایست که به دو لبه آن متصل است. و تقریباً بلندای آن ۳۰ سانتی متر است. از این نوع نیز کاسه مفرغی منقوشی است که بر لبه‌های بالا و پایین آن دو حاشیه نقش شده و در میان این حاشیه دو نقش که یکی نقشی نیمه حیوانی و نیمه انسانی است و دیگر نقش درگاه یک پارک، است به تناوب تکرار شده‌اند، نقوش این ظرف با کنده کاری حک شده است.

داس و قلاب نیز از این دسته آثار محسوب می‌شوند که شامل انواع مختلفی است. داسها شبیه به داسهای امروزی بوده با این تفاوت که کوچکتر از آنها هستند. این وسایل احتمالاً نمی‌توانست‌اند برای چیدن انبوه گیاه به کار رفته باشند.

آثاری که از آنها تحت عنوان قلاب یاد شد وسایلی شبیه به قلابهایی است که امروزه از آنها برای بافت قالی استفاده می‌کنند. این ابزارها عموماً در قسمت میانه تخت بوده و در دو قسمت طرفین باریک می‌شوند به طوری که از یک سمت تیز و از سمت دیگر نوک آن پهن شده که حکم دسته را دارد.

از دیگر ابزارها گروه اول، قرقره‌ها هستند، که احتمالاً برای تسهیل در جابجایی اشیاء مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

از نمونه قرقره‌های موجود یکی آن است مجسمه که به طور عمود بر محور آن نصب شده است. طول تقریبی محور قرقره ۴ سانتی متر و بلندای مجسمه آن ۸ سانتی متر است. از دیگر ابزار این گروه می‌توان به ابزاری چون، سمبه، سوهان، قلم حکاکی و قلمزنی اشاره کرد این وسایل به احتمال قوی کار فلزکاران بوده است. همچنین در این دسته انواع کلنگ و تبر موجود است.



نمونه مفرغهای لرستان



نمونه مفرغهای لرستان

سر تبرها که از تنوع و زیبایی بیشتر برخوردار است به اشکال مختلفی از قبیل: برگ درخت، سرجانوارن و ... ساخته شده‌اند. آقای گریشمن محقق و پژوهشگر فرانسوی، ممتازترین این تبرها را تبری می‌داند که تیغه آن از فکین جانوری خارج شده است در بین گونه‌های مختلف تبر آثاری وجود دارد که قابلیت استفاده‌های تبر را ندارند. زیرا که کاربرد استعمال آنها چه در جنگ و چه در قطع اشجار بعید و مشکل به نظر می‌رسد، شاید آنها را در مراسم مذهبی به کار می‌بردند. ولی در تیغه اغلب آنها علامت کار زیاد دیده نمی‌شود.

### ابزار سوار کاری

همان گونه که پیشتر آمد، ساکنان لرستان به پرورش و فروش اسب اشتغال داشته‌اند و حتی از این راه ثروت زیادی به دست آوردند. لذا با توجه به مهارت این قوم در سوار کاری، وجود ابزاری نظیر یراق، افسار، دهنه، بعضی زنگوله‌ها و گاه لوازم ازابه و تزئینات صورت اسب در میان آثار مکشوفه امری طبیعی است.

در این میان دهنه‌ها از تنوع و زیبایی چشمگیری برخوردار هستند و به اشکال مختلفی زینت شده‌اند. خانم مینا صادق بهنام در کتاب «مفرغهای لرستان» دهنه‌ها را به پنج دسته تقسیم نموده‌اند ۱. آنهایی که به شکل مستطیل هستند، لوحه‌های مشبک که روی میله‌های عرضی سوار شده‌اند و

بیشتر تزئینات حیوانی دارند...

۲. دهنه‌های مدور...

۳. دهنه‌های میله‌ای که به طور جداگانه ریخته گردی شده اند و از یک سوراخ در وسط دهنه رد می‌شوند.

۴. دهنه‌ها [بی] که با شکل‌های حیوانی تزئین شده‌اند.

۵. دهنه‌های مشبک که به شکل‌های حیوانات واقعی یا خیالی یا گروه‌های مرکب از حیوانات و انسان یا اشکار هیولالوش ...<sup>۳</sup>

## سلاح‌ها و ابزار جنگی

روحیه جنگجویی و سلاح دوستی قوم لر (که در زمان معاصر نیز محسوس است) باعث شده است تا مفرغ کاران لرستان دست به ساخت ادوات و آلات جنگی متنوعی از مفرغ بزنند، به طوری که این گونه ابزار در بین آثار مکشوفه بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده، از این گونه می‌توان به انواع زوبین، سپر، خنجر، سرنیزه، سرگرز، روکش تیردان و تبر اشاره نمود. نمونه معتبر این دسته از آثار خنجرهایی هستند که قبضه آنها مزین به اشکال برجسته حیوانات دیگر نقوش‌اند. همچنین تبرهایی نیز وجود دارند که سر آنها به شکل بسیار زیبایی آراسته شده است. نمونه‌ای از این تبرها در بالای تیغه این تبر فلشی است که سرش به پایین کشیده شده و به پشت شخص تیراندازی می‌رسد که کمان را کشیده و در حال رهاکردن تیر است. در قسمت تحتانی این تبر نیز چند زاید وجود دارد که به طرف بیرون نوک آنها باریکتر می‌شود.

سر و گرزها، عموماً به صورت گرد و یا استوانه‌ای ساخته شده و به خاطر اینکه کاری تر عمل کند. اقدام ساخت زایده‌هایی در گرداگرد آنها نموده‌اند.

روکش تیردان‌ها نیز از زمره این آثار هستند که سطح آنها عموماً قلمکاری شده و بدین وسیله نقوش بسیار زیبایی شامل نقش‌های حیوانی و انسانی بر آنها قلمکاری شده است.

در بین آثار مفرغی لرستان اشیایی به چشم می‌خورند که شبیه به سلاح بوده در صورتی که قدرت آنچنانی برای دفاع یا کشتار ندارند، لذا کارشناسان معتقدند که این گونه ابزارها حکم اشیا نذری را داشته‌اند.

## زینت آلات

این دسته که عموماً وسایل تزئینی و آرایش زنان و مردان بوده‌اند، شامل، آینه، سوزن سنجاق قفلی، دکمه، انگشتر، دستبند، گردنبند و کمربند هستند.

در بین این دسته از آثار سنجاق‌ها تعداد بیشتری را شامل می‌شوند این سنجاق‌ها درانتها به صفحات مدور یا چند پره متصل شده‌اند که بر روی آنها نقوش گوناگونی، از چهره زنان گرفته تا هیکل گیل‌گمش و سایر اشکال نقش شده‌اند!

سنجاق‌ها وسایلی تزئینی بود که یا به عنوان سنجاق سر و یا به عنوان وصل‌کننده دو قسمت از

لباس مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. اما آنچه که تعجب محققین و کارشناسان را برانگیخته این است که بعضی از این سوزن‌ها سنجاها بسیار سنگین و درشت‌اند و استفاده از آنها برای مقاصد مذکور بعید به نظر می‌رسید. لذا این گونه سنجاها را به عنوان اشیاء نذری طبقه بندی کرده‌اند. دست‌های از این سنجاها به کله یا بدن مجسمه‌هایی کوچک از پرندگان یا حیوانات دیگر متصل شده‌اند. در بین این گروه از ابزار به سنجا قفلی‌هایی بر می‌خوریم که بسیار ظریف و ماهرانه ساخته شده‌اند، از این گونه آلات که در اندازه‌های متفاوت ساخته شده‌اند. می‌توان به سنجا قفلی‌ای اشاره نمود که بخش نگهدارنده آن به شکل دست انسان ساخته شده و قسمت دیگر شکل آن به بازوی دست متصل شده و نوک سوزن در مشبث این دست قفل می‌شود. دستبندها که در اندازه و شکل‌های متنوعی ساخته شده‌اند. عموماً دارای دهانه باز و گاه بسته‌اند. بعضی از این دستبندها به قدری سنگین و حجیم هستند که بعید به نظر می‌رسد که به دست آویخته شده باشند. نمونه زیبایی از اینها، دستبندی است با دهانه باز که سر دو گریه‌سان به صورت قرینه در دو سوی دهانه ایجاد شده و بین آن دو در دهانه بهم می‌رسند. انگشتریها نیز دارای اشکال متفاوتی هستند. نوع ساده آنها مفتول مفرغی گردی است که یک سر آن پیچانده شده است و انواع دیگر آنها دارای شکل‌های مختلف و پیچیده‌تری‌اند. در این میان حلقه‌های بزرگتری با دهانه باز وجود دارد که به نظر می‌رسد از آنها به عنوان گردنبند استفاده می‌کرده‌اند به طوری که کپ گردن می‌شده‌اند.

### مجسمه‌ها

در میان آثار مفرغی لرستان مجسمه‌هایی در ابعاد و اشکال مختلف وجود دارند، به استثنای آنها که به نوعی با باورهای سازندگان نشان ارتباط دارند. یک دسته از این آثار که در قطعه‌های کوچک ساخته شده‌اند می‌توانسته به عنوان گردن آویز مورد استفاده قرار گرفته باشند. این مجسمه‌های کوچک شامل: سگ، گاو، پرندگان، اسب، آهو و کبک هستند. بعضی از این آثار می‌توانستند به عنوان بازیچه کودکان باشند. اما بالا بودن ارزش مفرغ احتمال چنین استفاده‌ای را بعید به نظر می‌رساند.

از این گروه؛ مجسمه کوچکی است که مرکب از دو گاو است که در کنار یکدیگر ایستاده‌اند، و به گردن هر دوی آنها جفت بسته شده است این دو حیوان فاقد پا بوده و قسمت تنه آنها از پشت پایین آمده و حکم پاهای آنها را دارند.

در میان این آثار ارباب‌های است با دو چرخ که دو گاو آن را حرکت می‌دهند. نوع دیگر این آثار مجسمه‌هایی هستند که در اندازه بزرگتر ساخته شده‌اند و به اشکال گوناگون (انسانی و حیوانی)‌اند. از این دسته؛ مجسمه‌ای در موزه ایران باستان وجود دارد که هیبت یک جنگجو است که خنجری بر کمر دارد. بر پایین جامه مجسمه که ۳۸ سانتیمتر بلندی دارد با خطوط میخی بابلی کنده شده است. محققین معتقدند که بعضی از این آثار، گذشته از این که از اشیاء تزئینی به حساب می‌آیند ممکن

است که برای هدیه کردن به معابد و پرستشگاهها تهیه شده باشند.

### بت ها و اشیاء نذری

در میان آثار مفرغی، آثاری به چشم می‌خورند که به نوعی با باورهای عقیدتی مردمان آن ادوار بستگی دارند، که عموماً مجسمه‌هایی از رب النوعهایشانند. شکل خدایان باروری، جنگل، باران، ماه و خورشید و ...

این مجسمه‌ها گاهی به صورت نقش‌های نیم انسانی و نیم حیوانی و یاد موجوداتی چون فرشتگانند. در میان این نقوش، نقش گیل گمش ... و یاورش «انکیدو» در حالتهای فراوان به کار رفته است. دسته‌ای از این آثار در کنار سر اجساد گور شده به دست آمده‌اند. «که حاکی از این است که اینگونه اشیا برای حراست از مرده در برابر نیروهای ترسناک تاریکی به کار می‌رفته‌اند». همچنین سوزن سنجاقهایی در اندازه‌های بزرگ به دست آمده که آنان را چون نقوش فوق‌الذکر شکل داده‌اند. محققین این آثار را عموماً در معابد به دست آورده‌اند. به طوری که در دیوار معابد فرو شده بودند، آنها را نذری می‌دانند. با این حال نمی‌توان همه این نوع سنجاق‌ها را قطعاً نذری به حساب آورد. در میان آثار مفرغی لرستان کمربندها و لوحه‌ها و مهرهایی نیز یافت شده‌اند که در نوع خود، آثاری معتبر به حساب می‌آیند.

### مراحل ساخت

عموم آثار مفرغی لرستان به صورت ریخته‌گری تهیه شده‌اند، و برای این کار از دو نوع قالب ( قالب باز و قالب بسته) استفاده کرده‌اند. همچنین برای ساخت اشیای توخالی از روش قالب‌گیری با موم بهره می‌گرفته‌اند. در آثار اولیه لرستان گذشته از پرداخت و زدودن زواید، اعمال دیگری مثل قلمزنی یا حکاکی بر روی شیئی انجام نمی‌شده ولی به تدریج که این صنعت - هنر، شکل می‌گیرد و تحول می‌یابد، اشکال زیبا و ظریف را بر روی آنها نقش می‌کنند. از این میان آثاری که مورد قلم زنی یا حکاکی قرار گرفته‌اند بیشتر متعلق به هزاره اول پیش از میلاد است و همچنین استفاده از روش چکش کاری در همین دوره انجام می‌شده است.

اگر چه همزمان با هنرمندان لر در سایر نقاط دنیا و حتی در ایران (حوالی دریای خزر) هنرمندانی به انجام این کار می‌پرداخته‌اند. اما هیچ کدام از آثار آنان چه از نظر فنی و چه از نظر هنری به پای این آثار نمی‌رسند، حتی در صنعت فلزکاری قرن‌ها بود. شاهد دقت و ظرافت ماهرانه‌ای که فلز کاران لرستان به کار گرفته‌اند، نبوده‌ایم.

### تأثیر پذیری از هنر سایر ملل

هنر فلزکاران لرستان، متأثر از روحیه خاص آنهاست. این آثار دست ساخته مردمانی غیور، جنگجو، سلاح دوست، کوچنده و سوار کار است که در دل کوههای سر به فلک کشیده آن دیار در میان



جنگلهای انبوه و حیوانات موزی و درنده می زیسته‌اند. این هنر، هنر حماسه‌ها و دل‌آوریها و هنر عقاید خاص این مردمان است.

با این همه آثار هنری آنان بی تأثیر از هنر سایر تمدنهای معاصرشان نبوده است. چراکه اینان ارتباط بسیار نزدیکی بامردمان سرزمینهای دور داشته‌اند. خصوصاً این که همواره با آنها در حال تجارت بوده‌اند، پس در این بین اندیشه و فرهنگ مبادله گردیده است. هنر لرستان از هنر ایلامی و هنر بین‌النهرین تأثیراتی دیده است. وجود اشکال اسطوره‌های بین‌النهرین که بر بعضی از این آثار نقش شده‌اند، دلیل صدق این مدعاست. همچنین با توجه به اهمیتی که این آثار در دوره خود پیدا کرده‌اند یقیناً هنر و اندیشه خاص سازندگانشان را نیز انتقال داده‌اند.

### پی نوشت

۱. تاریخ جهانی، ش. دولادن، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۳.
۲. این آثار توسط اهالی و به طریق حفاریهای غیرعلمی کشف شده‌اند و محل کشف خیلی از آنها ناپیداست که این خود باعث شده که پژوهشگران و محققان برای بررسی‌شان دچار مشکل گردند.
۳. مفرغهای لرستان و صنایع فلزی اسلامی، مینا صادق بهنام، ص ۱۲.
۴. قهرمان اساطیری بین‌النهرین، معروف است که وی پادشاهان سرزمین بابل بوده است که گویا در اواسط هزاره سوم ق.م در شهر باستانی «اروک» حکم رانده است.
۵. مفرغهای لرستان، همان، ص ۱۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی